متن پيشگفتار كتاب ازدواج

14 دي 1401

راه طولاني‌ست، تنها رفتن سخت. انسان براي طيّ اين مسير همراه مي‌خواهد و او كه خلق كرده از همه بهتر اين نياز را مي‌شناسد. پروردگار براي مخلوق خود همسري آفريده است، همراه و هم‌مسيري.

ازدواج كهن‌ترين سنّت بشري‌ست، با قدمتي به درازاي تاريخ، قرن‌ها تجربه. عجيب است كه هنوز، امّا و اگرهاي بسياري دارد و براي هر جواني مهم‌ترين دشواري زندگي. سؤالاتي بي‌جواب و ابهاماتي بي‌پايان.

سال‌ها پاسخگوي پرسش‌هاي جوانان بودم؛ مجرّد و متأهل. گرفتاري‌هاي گوناگون را ديدم و پاسخ هر كدام را يافتم، جلسات مشاوره فراوان. چه شباهت‌هاي بسياري در اين ميان، در لابه‌لاي مشكلات زنان و مردان جوان.

دنبال نوشتن يك راهنماي ساده بودم، چيزي مانند يك كتاب جمع و جور؛ «هندبوك»، دم‌دستي و روان، به دور از مقدمات و اِطناب‌هاي مخلّ. آن‌چه پيش روي شماست با اين نگاه تدوين شد.

متن‌ها كوتاه است؛ مختصر و مفيد. قدم به قدم، گام به گام، از نخستين مرحله حركت؛ «انگيزه»، تا آخرين؛ «عروسي». چالش‌هاي هر يك بيان شده، راه‌حل‌ها هم.

خيلي‌ها اصلاً از اول اشتباه مي‌كنند، هدف‌شان از ازدواج نادرست، توقع‌شان غلط، انگيزه‌شان مسير درستي طيّ نكرده. راه به جايي نمي‌برد. اين ازدواج پريدن از چاله به چاه است، مثلاً براي فرار از افسردگي به ازدواج پناه ببرد؛ يا به خاطر شكستي كه در عشق پيشين دارد، يا اعتياد، يا حسادت و خشمي نسبت به دوستان، چشم و هم‌چشمي چه بسا. اين‌ها در همان گام اول بيراهه رفته‌اند.

ازدواج بايد دليل درستي داشته باشد. بهانه‌ها را بايد شناخت. وقت مناسب براي ازدواج. انتخاب همسر نمي‌تواند چشم‌بسته انجام شود؛ اول خود را و بعد، ويژگي‌هاي يك همسر خوب. هر كه اميد بسته شريك زندگي را پس از ازدواج تغيير دهد، خود را فريفته؛ بي‌حجاب با حجاب شود، لجباز اصلاح، بي‌نماز بانماز، تندخو آرام.

از خواستگاري تا شناخت، از عقد تا عروسي، فرآيندي معمولاً خسته‌كننده و طولاني، پر از اضطراب و نگراني. در اين كتاب پاسخ پرسش‌هايي را مي‌يابيد كه امروزه اكثر مردم با آن مواجه‌اند، بلافاصله پس از آن‌كه قدم در اين راه مي‌گذارند.

آخرين بخش كتاب را اختصاص دادم به مطالبي ويژه؛ پرسش‌هايي كه در ساير فصول جاي نمي‌گيرند، اما پُرچالش و گريبان‌گير. مثل: ازدواج موقّت، ازدواج مجدّد، استخاره براي ازدواج، دعانويسي، روابط پيش از ازدواج و چندين مورد مشابه.

هر روز هم‌صحبت جواناني مي‌شوم كه «ناآگاهي» به مسير جدايي‌شان كشيده. آرزو مي‌كنند كاش پيش‌تر مي‌دانستند، آن‌چه امروز فهميده و ياد گرفته‌اند، همين مطالبي كه در اين كتاب پيش روي شماست، هم‌اكنون.

تنها اميدم خداست؛ اين تحفه كوچك را از باقيات صالحات قرار داده، تا در حشر به كار من آيد و در دنيا به كار مردم؛ مفيد باشد و كارآ، بندگانش را از خطا و اشتباه حفظ كند، به وجهي كه راضي باشد.